

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۴/۳۰

تاریخ تصویب مقاله: ۹۲/۱/۲۵

بررسی رابطه خود کارآمدی و هوش هیجانی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان شاهد

دکتر حسین جناآبادی*، سکینه رضوی**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین خودکارآمدی و هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی دانش آموزان دخترشاهد و اینترگرمقطع متوسطه شهر زاهدان انجام شده است. روش تحقیق با توجه به ماهیت پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. نمونه مورد مطالعه ۲۱۵ نفر از دانش آموزان شاهد و مشغول به تحصیل در دبیرستان های شهر زاهدان در سال تحصیلی (۸۸-۸۹) بودند که به صورت سرشماری برای مطالعه انتخاب شدند. ابزارجمع آوری اطلاعات، پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شوارتز و همکاران (۱۹۹۶) و پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن (۱۹۹۷) بودو از معدل سال تحصیلی و ترم قبل نیز به عنوان شاخص و ملاک پیشرفت تحصیلی استفاده شد... برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون استفاده

Email:hjenaabadi@ped.usb.ac.ir

* دانشیارگروه علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

** دانشجوی کارشناس ارشد دانشگاه آزاد واحد بیرجند

شد. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین مؤلفه مهارت های درون فردی هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی برقرار است و بین خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی نیز رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که با ارتقای مؤلفه هایی مثل خودکارآمدی و ساختن بستر مناسب برای رشد بهنجار هوش هیجانی می توان در بهبود وضعیت تحصیلی دانش آموزان به عنوان قشر آینده دار این مرز و بوم قدمی مثبت برداشت.

واژه های کلیدی: خودکارآمدی، هوش هیجانی، موفقیت تحصیلی، دانش آموزان شاهد و ایثارگر.

مقدمه

از آن جا که در هر نظام آموزشی، پیشرفت تحصیلی به عنوان مهم ترین شاخص توفیق فعالیت های علمی و آموزشی محسوب می شود. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از اهمیت کافی نزد پژوهشگران علوم تربیتی و روان شناسی برخوردار است. با وجود این بیشتر تحقیقات نشان میدهد که عوامل آموزشی و فردی با ماهیت شناختی و اجتماعی، بیشترین تاثیر را بر پیشرفت تحصیلی دارند (لاولرویجن،^۱ ۱۹۹۷؛ گلمن، ۱۹۹۵. نقل از پارسا، ۱۳۷۸؛ وانک^۲ ۱۹۹۸؛ شانک، ۲۰۰۷، مایا^۳، ۲۰۰۱). نظریه ها و دیدگاه های متعددی برای توصیف و تبیین پیشرفت تحصیلی مطرح شده است و اخیرا محققان با دیدگاه های شناختی-اجتماعی متغیرهای گوناگون و مؤثر بر آن را شناسایی کرده اند (پروین، ۱۳۷۴) که از میان متغیرهای تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی، می توان به خودکارآمدی و هوش هیجانی اشاره کرد.

مفهوم خودکارآمدی، محور نظریه بندورا (۱۹۹۹) است. به نظر بندورا، خودکارآمدی عبارت است از «اعتقاد به قابلیت های فردی در سازمان دهی و انجام اعمالی که در موقعیت های پیش رو ضروری است». به عبارت دیگر، خودکارآمدی باور شخص به این است که می تواند در یک موقعیت خاص، عمل کند. بندورا (۱۹۹۹) نقل از پالی لاشکه، (۱۳۸۲). این باورها را عامل

تعیین کننده طرز فکر، رفتار و احساس افراد تلقیمی کند. همچنین او بر نقش یادگیری مشاهده ای و تجارب اجتماعی در تحول شخصیت تاکید می ورزد (بشارت، ۱۳۸۵).

از آنجا که مدرسه بزرگترین سازمان انسانی است که با هدف پرورش و تربیت انسان ها در ابعاد جسمی و روحی شکل گرفته، انتظار می رود که بتواند انسان های سالمی تربیت کند. شاگردان به عنوان اعضای جامعه باید بتواند بر خود و محیط خود با مهارت تسلط یابند و سه فضای اساسی زندگی یعنی عشق، کار تفریح را به درستی و به طور منطقی هدایت کند (کریم زاده، ۱۳۸۰). باورهای خود کارآمدی بر انتخاب های افراد، رشته تحصیلی آنان و فعالیتهایی که انجام می دهند تاثیر می گذارد و افراد تمایل دارند به فعالیتهایی بپردازند که از انجام آنها احساس اطمینان کنند و از فعالیتهایی که احساس می کنند توانایی انجام آن ها را ندارند پرهیزند (بندورا، ۱۹۹۹ نقل از زارع زاده و کدیور، ۱۳۸۶). خود کارآمدی بر انتخاب فعالیت، تلاش صرف شده، استقامت و پایداری در انجام تکالیف و دستاوردهای تکالیف تاثی می گذارد. همچنین خود کارآمدی از زمره عواملی است که در عملکرد تحصیلی نقش بسیاری دارد و دانش آموزان دارای خود کارآمدی بالا در مقایسه با دانش آموزانی که خود کارآمدی پایین به پیشرفت های بیشتری نائل می شوند (فراهانی و مرادی، ۱۳۸۰). به طور کلی هنگامی که افراد بر این باور باشند که قابلیتها و توانایی های لازم برای انجام کار یا فعالیتی را دارند، برای انجام آن تکلیف وقت بیشتری صرف می کنند. و در نهایت به نتایج بهتری دست پیدا خواهند کرد.

¹-Lowlerviggen

²-Wang

³-Maya

اداراک افراد از خود، بر تفکر، انگیزش، عملکرد و هیجانات فرد تاثیر می گذارد (پروین، ۱۳۷۴). محققان گزارش کرده اند که باورهای خودکارآمدی به طور مثبت با پیشرفت تحصیلی تاثیر می گذارد (مولتن، پروان ولنت، ۲۰۰۴). خودکارآمدی همچنین بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی تاثیر می گذارد (شانک، ۲۰۰۷). دانش آموزان دارای خودکارآمدی بالا در انجام تکالیف مدرسه و آزمون های مربوط به نوشتن، نمرات بالایی داشته اند (تاکن و سکتن، ۱۹۹۷). کرامتی و شهرآرایی (۱۳۸۳) نیز دریافته اند که دانش آموزانی مه از خود انتظار بهتر و قضاوت مثبت تری دارند از عملکرد بهتری برخوردارند و برعکس افرادی که انتظار عملکرد پایین و قضاوت منفی از خود دارند، عملکردشان ضعیف است.

مولتون و بران و لنت (۲۰۰۴) در مطالعه خود گزارش کرده اند که بین باورهای خودکارآمدی و عملکرد رابطه معنی دار وجود دارد و در این رابطه خودکارآمدی، تقریباً ۱۲ درصد واریانس عملکرد تحصیلی دانش آموزان را تبیین می کند. پتربیچ و دی کروت^۱ (۱۹۹۷) دریافته اند که میان خودکارآمدی تحصیلی با پیامدهای تحصیلی مانند نمره امتحانی و نمره های پایان سال تحصیلی همبستگی وجود دارد. پاژر^۲ (۲۰۰۷) دریافته است که همبستگی خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی از $r=0/49$ تا $r=0/70$ متغیر است. زیمرمن، بندورا و مارتینز-یونز (۱۹۹۹) در پژوهش خود دریافته اند که خودکارآمدی تحصیلی میانجی رابطه بین یادگیری خودگردان و پیشرفت تحصیلی است (رجبی و همکاران، ۱۳۸۶).

حسن آبادی (۱۳۸۰) در بررسی باورهای معرفت شناختی و باورهای خودکارآمدی دانشجویان و دانش آموزان گزارش داد که افرادی که به توانایی ثابت اعتقاد کمتری دارند، دارای باورهای خودکارآمدی عمومی و تحصیلی قوی تری هستند. بررسی رابطه مفهوم خود و خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان دختر نشان داد که متغیرهای خود تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی از قدرت بیشتری در پیش بینی پیشرفت تحصیلی برخوردار هستند و هرچه نگرش افراد نسبت

به خود عمیق تر و غنی تر گردد و هر اندازه فرد از احساس کارآمدی بهتر و قوی تر برخوردار باشد، پیشرفت تحصیلی او چشم گیرتری خواهد داشت (نقل از حسن آبادی، ۱۳۸۰).

در پژوهشی دیگر رابطه بین انتظار معلم و خودکارآمدی دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی بر حسب جنسیت و منطقه جغرافیایی بررسی شد و نتایج نشان داد که میان انتظار معلم و خودکارآمدی دانش آموزان رابطه وجود دارد. همچنین بین انتظار معلم و پیشرفت تحصیلی می توان رابطه یافت. این نتایج نشان داد که پیشرفت تحصیلی و خودکارآمدی دانش آموزان دختر با پسر متفاوت است (اسلامی، ۱۳۸۷). پورگنابادی (۱۳۸۷) نیز در مقایسه باورهای هوشی و باورهای خودکارآمدی دانش پژوهان پیش دانشگاهی با عملکرد تحصیلی بالا و پایین نشان داد که باورهای عمومی و تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی تاثیر مثبت دارد و می تواند یکی از عوامل تعیین کننده پیشرفت تحصیلی محسوب شود.

پالی لاشکه (۱۳۸۲) به دنبال بررسی رابطه بین باورهای خودکارآمدی (عمومی و تحصیلی) و ارجحیت ساختار کلاس (عملکردی و تبحری) با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دریافت که بین خودکارآمدی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی داری وجود دارد.

پنتریج و دی گروت (۱۹۹۹) در یک مطالعه همبستگی روابط میان متغیرهای انگیزش، شناختی و عملکرد تحصیلی را دریافتند. در این مطالعه دانش آموزان دارای خودکارآمدی بالا در مقایسه با دانش آموزان دارای خودکارآمدی پایین در تکالیف و آزمون های مربوط به نوشتن نمرات بالایی داشتند. زیمرین و مارتینز (۱۹۹۰) نیز ارتباط قوی بین ادراک خودکارآمدی، ادراک فرد از خود نظم بخشی، فرایند خودنظم بخشی و پیشرفت تحصیلی را نشان داد.

¹-Degrou

²-Payares

با توجه به اهمیت و نقش نیروهای کارآمد و توانمند در کشور و رسالت مهم مدارس در پرورش چنین نیروهایی که از اووییت های معقول یک جامعه است، انتظار جامعه از آموزش و پرورش این است که دانش آموختگانی برای جامعه تربیت کند که دارای توانایی هایی کافی باشند. بنابراین هرآنچه بتواند بر توانمند ساختن دانش آموز و موفقیت وی تاثیر بگذارد دارای اهمیت است (زارع زاده و کدیور، ۱۳۸۶).

امروزه علم به قدرت و نفوذ هیجانان در حیات ذهنی انسان پی برده است و در حال کشف و تبیین جایگاه هیجانان و احساسات در فعالیتها، رفتارها، و حرکات انسانی است. درحوزه مطالعات هوش، سیر مطالعات از هوش منطقی که برپایه شناخت استوار است به سمت هوش هیجانی حرکت کرده است. هوش هیجانی^۱ موضوعی است که سعی در تشریح و تفسیر جایگاه هیجانان و احساسات در توانمندی های انسانی دارد.

هوش هیجانی ارتباط تنگاتنگی با موفقیت های سازمانی و تحصیلی دارد. افراد با هوش هیجانی بالا، کمتر دچار افسردگی می شوند و از لحاظ جسمس سالم تر و امکان جذب و به کارگیری آنان در سازمان ها بیشتر است و از لحاظ مهارت های برقراری ارتباط در شرایط بهتری قرار دارند. هوش هیجانی به عنوان یکی از مؤلفه های تنظیم کننده در مسائل شناختی و نیز در طراحی برنامه های سازگاری اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان مورد توجه و استفاده بسیاری از روان شناسان، مشاوران و علمای تعلیم و تربیت، متخصصان بهداشت روان و سایر افرادی قرار گرفته است که به نحوی با دانش آموزان سروکار دارند (سوارت، ۱۹۹۶ نقل از بار-ان، ۱۹۹۹).

تأثیر هوش هیجانی بر سلامت حافظه و نیروی عقل، اداراک، معنا بخشی تجربه ها، داوری صحیح و تصمیم گیری های مناسب و رشد روانی- اجتماعی بسیار چشمگیر است. همچنین مدرسه به عنوان جایگاه پرورش ابعاد شخصیت کودکان و نوجوانان در بعد شناختی و غیر شناختی، تأثیر های فراوان و عمیقی بر روند شکل گیری شخصیت و موفقیت های تحصیلی

آنان دارد. مدارسی در پرورش استعداد های هیجانی موفقند که به ابعاد رابطه ای مناسب بین دانش آموزان و معلمان و سایر اعضای مدرسه کمک کنند. دانش آموزانی که دارای هوش هیجانی بالا هستند، رفتارهای انحرافی، گریز از مدرسه، ترک تحصیل و اخراج از مدرسه در آن ها کمتر دیده می شود. بسیاری از متخصصان بر این باور تأکید دارند که بین متغیرهای هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی در دوره های مختلف سنی و در میان دختران و پسران ارتباط نزدیکی وجود دارد؛ بگونه ای که با افزایش یا کاهش یک متغیر، تغییراتی در متغیرهای دیگر به وجود می آید. مایر و گلنن نیز بیان کرده اند که هوش هیجانی، حتی بیشتر از هوش تحلیل گر، پیش بینی کننده موفقیت در مدرسه، کار و محیط خانواده است.

در بررسی نقش هوش هیجانی در پیشرفت تحصیلی، بشارت، شالچی و شمسی پور (۱۳۸۵) در پژوهشی نشان داده اند که هوش هیجانی همبستگی مثبت و معناداری با موفقیت تحصیلی دارد. همچنین سطح هوش هیجانی دانش آموزان دختر بیش از سطح هوش هیجانی دانش آموزان پسر نشان داده شده است. سوارت (۱۹۹۶ نقل از بار-ان ۱۹۹۹) نشان داده است که هوش هیجانی می تواند موفقیت تحصیلی را پیش بینی کند. محققان دیگر از جمله درزی و اساکل (۲۰۰۲ نقل از کنت و نوواک، ۲۰۰۷). در بررسی رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی ۱۱۶ دانشجوی ۱۸ تا ۲۳ ساله بیان کردند که بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی آنها رابطه ضعیفی وجود دارد در حالی که رابطه هوش هیجانی با برخی متغیرهای شخصیتی، همانند برون گرایی، معنادار بوده است. همچنین کنت و نوواک (۲۰۰۷) به ارتباط بین متغیرهای مربوط به مهارت های روابط میان فردی با پیشرفت تحصیلی نیز در گزارش تحقیق اشاره کرده و نشان داده اند که ترکیب هوش هیجانی و هوش آکادمیک (تحصیلی) در رشد دانش، کمک به سلامت و مراقبت از فراگیران و موفقیت تحصیلی آن ها عامل کلیدی به شمار می رود.

¹-Emotional intelligence

بنابراین، این پژوهش همگام با سایر پژوهش‌ها رابطه بین خودکارآمدی و هوش هیجانی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان شاهد را بررسی می‌کند و برای این منظور در پی پاسخ‌گویی به سؤال‌های ذیل است: (۱) آیا بین خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد؟ (۲) آیا بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانش‌آموزان شاهد دختر مقطع متوسطه به تعداد ۲۱۵ نفر تشکیل داده‌اند که از میان آنها تعداد ۱۸۷ نفر با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای ساده انتخاب شده‌اند. ابزارهای این پژوهش عبارتند از:

الف) پرسشنامه خودکارآمدی شوارترز: پرسشنامه خودکارآمدی عمومی به وسیله شوارتز و همکاران (۱۹۹۶) ساخته شده است که رجبی (۱۳۸۵) پایایی آن را در دانشجویان دانشگاه اهواز ۰/۸۵ به دست آورد و روایی آن به وسیله تحلیل عاملی برای توانایی ده‌گویه مقیاس باوری خودکارآمدی ۰/۸۵ بود. یافته‌های این پژوهش در زمینه اعتبار سنجی و ویرایش فارسی به دلیل کوتاه و عینی بودن در پژوهش‌های میدانی و بالینی به کار رفته است. این ابزار شامل سه خرده‌مقیاس در زمینه همدلی، احترام به خود و مسئولیت‌پذیری است که در این پژوهش پایایی پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

ب) پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان: این پرسشنامه که بر اساس مدل هوش هیجانی اجتماعی بار-ان است که توسط خود او ساخته شده، یک مقیاس خود گزارش‌دهی برای ارزیابی رفتارهای مرتبط با هوش هیجانی و اجتماعی است (بار-ان، ۱۹۹۷). این ابزار ۵ مؤلفه دارد که عبارتند از: (۱) مؤلفه درون‌فردی (شامل خودآگاهی هیجانی، ابراز وجود، احترام به خود، خود شکوفایی و استقلال ۲) مؤلفه بین‌فردی (شامل: همدلی، مسئولیت‌پذیری و روابط بین‌فردی). (۳)

مؤلفه مدیریت استرس (شامل تحمل استرس و کنترل تکانه)، ۴) مؤلفه توان سازگاری (شامل حل مسأله، واقعیت گرایی و انعطاف پذیری) و ۵) مؤلفه خلق و خوی عمومی (شامل: خوش بینی و شادکامی). در ایران ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آزمون-باز آزمون به طور متوسط ۷۴٪ گزارش شده و میانگین ضرایب پایایی مؤلفه ها نیز ۸۵٪ (ابراز وجود) تا ۹۱٪ (تحمل فشار) به دست آمده است. در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی ۷۱٪ برای کل آزمون و برای هریک از خرده آزمون های مهارت های درون فردی، میان فردی، مدیریت استرس، توانایی سازگاری و خلق خوی عمومی به ترتیب پایایی ۸۰٪، ۷۶٪، ۵۶٪، ۶۲٪ و ۷۲٪ حاصل شد.

یافته ها

برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار **SPSS** استفاده شد.

برای آزمون سؤال های پژوهش از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۱ خلاصه اطلاعات آماری مربوط به سؤال های پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۱ ضریب همبستگی خودکارآمدی و مؤلفه های هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی

متغیرها	موفقیت تحصیلی	سطح معناداری
خودکارآمدی	۵۲٪	۰۳۷٪
مؤلفه مهارت های درون فردی هوش هیجانی	۲۱۰٪	۰۰۴٪
مؤلفه مهارت های میان فردی هوش هیجانی	-۴۹٪	۵۰۶٪
مؤلفه مدیریت استرس هوش هیجانی	۱۲۶٪	۰۸۶٪
مؤلفه توانایی سازگاری هوش هیجانی	۰۱۷٪	۸۱۳٪
مؤلفه خلق و خوی عمومی هوش هیجانی	۰۰۷۵٪	۳۰۵٪

نتیج جدول نشان داد که بین خودکارآمدی با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین از میان مؤلفه های هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی، مؤلفه مهارت های

درون فردی رابطه مثبت و معنی داری دارد اما با سایر مؤلفه های هوش هیجانی رابطه معنی داری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه خودکارآمدی و مؤلفه های هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی دانش آموزان دختر متوسطه شاهد و ایثارگر شهر زاهدان بود. نتایج تحقیق حاکی از این است که رابطه بین مؤلفه های هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی به لحاظ اماری در سطح ۹۹ درصد معنادار است. به عبارت دیگر، مؤلفه های هوش هیجانی می تواند در موفقیت تحصیلی مؤثر باشند. این نتایج با یافته های پنتزیج و ویگروت (۲۰۰۴)، کنت و نوک (۲۰۰۷)، مایرو سالوی (۲۰۰۷)، راهنما (۱۳۸۴)، پالی لاشکه (۱۳۸۲)، کریم زاده (۱۳۸۰)، پروین (۱۳۷۴)، شانک (۲۰۰۷)، مولتن (بران و لنت (۲۰۰۴)، تاکمن و سکتن (۱۹۹۷)، پاژر (۲۰۰۷) و بشارت (۱۳۸۵) هم سوست. همچنین از میان مؤلفه های هوش هیجانی فقط مهارت درون فردی هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری داشت؛ یعنی تغییر و آموزش هوش هیجانی موجب پیشرفت تحصیلی دانش آموزان خواهد شد. این نتایج با یافته های پنتزیج و دی گردت (۲۰۰۴)، بشارت، شالچی و شمسی پور (۱۳۸۵)، سوارت (۱۹۹۶) نقل از بار-ان، (۱۹۹۹) و درزی و اساکل (۲۰۰۲) نقل از کنت و نوک، (۲۰۰۷) هم خوانی دارد.

نتایج این پژوهش نشان داده است که برداشت و مفهومی که دانش آموزان از توانایی و شایستگی خود در برخورد با مسائل زندگی برداشت خوبی داشته باشد. در انجام تکالیف تحصیلی خود بهتر عمل می کند و موفق تر است. در مقابل، آن هایی که توانایی و قابلیت خود را در سطح پایینی ارزیابی کنند، در پیشرفت تحصیلی از موفقیت کمتری برخوردار خواهند بود.

آموزش و پرورش و به عبارت دیگر مدرسه یک نظام صددرصد انسانی است و عامل انسانی هیچ سازمانی به اندازه مدرسه قوی نیست. کار مدرسه انسان سازی است و انسان سازی در دو بعد جسم و روان معنادار است و حفظ سلامت روانی شاگردان کار اساسی و مهم مدرسه است. هر جامعه از مدارس انتظار دارد که افرادی ا شخصیت، متعادل، سازگار، با عاطفه، اجتماعی، دارای اعتماد به نفس، مسئولیت پذیر و منطقی تربیت کند.

دانش آموزان دارای خودآگاهی عاطفی توانایی تشخیص و درک احساسات و توانایی تمیز قائل شدن بین احساسات خود و دیگران را دارند. همچنین قاطعیت در ابراز عقاید و تفکرات خود و دفاع از حقوق خود به شیوه درست و احترام به خود به عنوان شخص تأثیر گذار در جامعه از ویژگی های آن هاست.

اینان در زندگی برای انجام فعالیت های معنی دار و هدف دار که منجر به تلاش می شود و همچنین در برنامه ریزی و تصمیم گیری به خوبی درک می کنند و در ایجاد و حفظ روابط متقابل بین خود و دیگران کوشا هستند و خود را به عنوان عضوی مؤثر و سازنده در گروه نشان می دهند.

دانش آموزان دارای این مهارت در شناخت و حل مشکلات و خلق راه حل های مؤثر خلاق هستند و نیز از نظم و درک واقعی از امور بدون خیال پردازی و منطبق ساختن عواطف خود با موقعیت ها و شرایط گوناگون زندگی و تحصیل برخوردارند.

مشاهده عملکرد موفقیت آمیز دیگران، یکی از مهم ترین منابع خود کارآمدی است. وقتی کسی می بیند که افراد شبیه به او با تلاش زیاد به موفقیت رسیده اند باور می کند او هم می تواند با قابلیت هایی که دارد موفق شود.

مؤثرترین راه ایجاد حس کارآمدی قوی، تجربه های موفقیت آمیز است. انجام موفقیت آمیز یک تکلیف مهم، حس خود کارآمدی انسان را تقویت می کند اما در مقابل شکست یا ناتوانی می تواند می تواند خود کارآمدی را تضعیف سازد.

انسان می تواند به اهداف خود برسد، تغییرات مورد نظر خود را اعمال کند و مسیر دلخواه خود را در پیش بگیرد. اما عمل کردن به این برنامه ها، آن قدر ها هم ساده نیست. باندورا و دیگر روان شناسان دریافته اند که خودکارآمدی فرد نقش عمده ای در نوع نگاه او به اهداف، تکالیف و چالش هایش دارد.

عاطفه، حالات هیجانی، واکنش های جسمانی و استرس و برداشت ما از توانایی های شخصیمان در یک موقعیت خاص، تأثیر می گذارد. آن گونه که باندورا می گوید، شدت واکنش هیجانی یا جسمانی مهم نیست، بلکه چگونگی ادراک و تفسیر این واکنش ها اهمیت دارد. افراد می توانند با یادگیری چگونگی کنترل استرس و هیجانات خود را در هنگام رویارویی با تکالیف دشوار، حس خودکارآمدی خویش را بهبود بخشند.

جالب این است که در این پژوهش فقط بین مؤلفه مهارت های درون فردی و موفقیت تحصیلی رابطه معنا داری وجود داشت یعنی دانش آموزانی که متغیرهای خودآگاهی عاطفی، جرأت ورزی، حرمت ذات، خودشکوفایی و استقلال را دارند در تحصیل موفق تر هستند و به نظر می رسد که مؤلفه های موفقیت در زندگی، و شغل به شخصیت درونی و توانمندی های درونی بستگی دارد.

در این پژوهش بین نمره خودکارآمدی و هوش هیجانی با وضعیت ایثارگری رابطه معنی داری وجود نداشت؛ هرچند که انتظار می رفت بین این متغیرها ارتباطی درکار باشد. به نظر می رسد این متغیرها با وضعیت ایثارگری به مرور زمان درونی شده و حالت تطابق یافته ای برای دانش آموزان ایجاد کرده است. نکته مهم دیگر در این پژوهش رابطه معنی داری بود که بین نمره هوش هیجانی و خود کارآمدی با پایه های تحصیلی وجود داشت؛ بدین معنی که این دو متغیر در پایه تحصیلی متفاوت می توانند در ارتباطات اجتماعی بین دانش آموزان با یکدیگر، معلمان و محیط آموزشی نقش مهمی داشته باشند.

منابع:

- ۱- اسلامی، نصرت. (۱۳۷۸). بررسی رابطه انتظار معلم و خودکارآمدی دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی در مقطع متوسطه شهرستان بیرجند. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد بیرجند.
- ۲- بشارت، محمد علی، سالچی، بهزاد، شمسی پور، حمید (۱۳۸۵). بررسی رابطه هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی دانش آموزان، مجله اندیشه های نوین تربیتی، جلد ۲ (۸۶). شماره ۲۶ و ۱۹.
- ۳- پتتریچ، پال. آرو. شانک، دیل اچ (۱۳۸۶). انگیزش در تعلیم و تربیت، نظریه ها، تحقیقات و راهکارها، ترجمه شهرآرای، مهرناز، نشر علم-تهران.
- ۴- پالی لاشکه (۱۳۸۲). بررسی رابطه باورهای خودکارآمدی (عمومی و تحصیلی) و ارجحیت ساختار کلاس (عملکردی-تبحری) با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان سال سوم دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- ۵- حسن آبادی، حمید رضا (۱۳۸۰). بررسی باورهای معرفت شناختی و باورهای خودکارآمدی دانش آموزان و دانشجویان پسر و دختر شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۶- حسین پورگنابادی، (۱۳۸۷). بررسی مقایسه ای باورهای هوشی و باورهای خودکارآمدی دانش پژوهان پیش دانشگاهی با عملکرد تحصیلی بالا و پایین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد بیرجند.
- ۷- رجبی، غلامرضا. (۱۳۸۵). بررسی پایایی و روایی مقیاس باورهای خودکارآمدی عمومی. اندیشه های نوین تربیتی. ۱ (۶۸). ۹۵-۹۳.
- ۸- زارع، کبری و کدیور، پروین. (۱۳۸۶). مقایسه خودکارآمدی و خلاقیت در دانش آموزان کاربر اینترنت و دانش آموزان غیر کاربر. فصلنامه تعلیم و تربیت. ۱ (۸۹). ۱۳۳-۱۱۱.

- ۹-فرهانی، محمد و کرامتی، هادی(۱۳۸۳). بررسی رابطه خودکارآمدی ادراک شده دانش آموزان سوم راهنمایی شهر تهران و نگرش آنها نسبت به درس ریاضی با پیشرفت ریاضی آنها. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء. ۱۲(۴۲):۱۰۵-۱۲۱ .
- ۱۰-کرامتی، هادی و شهرآرایی، مریم.(۱۳۸۶). بررسی نقش خودکارآمدی ادراک شده در عملکرد ریاضی. فصلنامه نوآوری های آموزشی. ۳(۱۰):۱۰۳-۱۱۰
- ۱۱-گلمن، دانیل.(۱۹۹۵). هوش هیجانی. ترجمه نسرین پارسا(۱۳۷۸). تهران: رشد.
- 12-Bandura.A.(1999).perceived self- efficacy in cognitive development and functioning educational psychologist,28,117,148.
- 13-Bar-on(1999).Theemotional quotient Inventory (EQ-I) A measure of Emotionalintelligence . (2thed).Toronto Canada: Muiti-healthsystem.
- 14-Kont and Nowak. (2007) .Qualitative evaluation of emotional intelligence. In- service program for secondary school teacher. pp562-588.www.nova.cdu.com.
- 15-Mayee,J.D,(2001).Afield guide for emotion intelligence .Emjotional intelligence in everyday life(pp:3- 24)newyork,psychologybpress.
- 16-Muito, K, D, Browns. S.D: Lent. R , w.(2004).Relation of self-efficacy beliefs to academic outcomes: A meta-analysis investigation.journal of Counselingpsychology, 38,20-28
- 17-Pintrich, P.R.and pegroot, EV.(2006).Motivationalself-regulated Learning Componets of classroomacademic performance. Journal of Edvcational psychology 82(1) , 65-74.